



Quranic Studies (Specialized Quarterly)
Vol.4 / No.15 / Spring 2025
<https://www.iict.ac.ir>

Transformation and the Rationale for Quranic Sciences Research

Mohammad Ali Mahdavi Rad

Professor of Science and Quran Department, University of Tehran, Qom Campus, Qom, Iran.
Email: mahdavirad@ut.ac.ir

Hamed Ma'refat

PhD in Qur'anic and Hadith Studies; Instructor of Advanced Levels at the Qom Seminary.
Email: hamed.marefat@gmail.com



Citation

Mahdavi Rad, M. A. and Maarefat, H. (2025). Transformation and the Rationale for Quranic Sciences Research. (e735257). *Quranic Studies*, 5(15), e735257
doi: 10.22034/qs.2025.735257

10.22034/qs.2025.735257

Type of Article: Research Article

Received: 2025/12/22

Revised: 2026/01/15

Accepted: 2026/01/30

Publish Online: 2026/04/26

Abstract

Quranic sciences possess a unique distinction compared to other branches of Islamic scholarship: they have a collective identity (as a field of study) and are sometimes used as an adjective or a qualifier for other disciplines. Consequently, their scope and issues have been remarkably diverse and have undergone transformations throughout history. The central questions addressed in this study are: firstly, what transformations have occurred in the scope and topics of this field, and secondly, why have these transformations taken place? To answer these questions, works pertaining to Quranic sciences throughout the history of the Islamic world were collected to the greatest extent possible and analyzed using a historical-critical method. The findings indicate that diversity is inherent to this field, comprising a multifaceted nature where each facet corresponds to a specific discipline. Furthermore, its diversity and flexibility throughout history have been shaped by this very phenomenon; as in the broader history of Islamic scholarship, new disciplines have emerged or undergone changes in response to evolving questions and needs, directly impacting the scope and issues within Quranic sciences.

Keywords

Quranic Sciences, Studies of the Quran, Evolution of Sciences, Interdisciplinary Relations, Islamic Sciences.



Copyright © 2024 The Author(s);

This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (CC-BY-NC: <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/legalcode.en>),

which permits use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and is not used for commercial purposes.



تحول و چرایی پژوهش‌های علوم قرآنی

محمدعلی مهدوی راد

استاد گروه علوم و قرآن دانشگاه تهران، پردیس قم، قم، ایران.

Email: mahdavrada@ut.ac.ir

حامد معرفت

دکتری علوم قرآن و حدیث، مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم.

Email: hamed.marefat@gmail.com



استناد به این مقاله:

مهدوی راد، محمدعلی و معرفت، حامد. (۱۴۰۴). تحول و چرایی پژوهش‌های علوم قرآنی. (۷۳۵۲۵۷۶).
قرآن پژوهی، ۱۵(۱)، ۷۳۵۲۵۷/qs.۱۰/۲۲۰۳۴doi: ۷۳۵۲۵۷۶. (۱۵)۵

10.22034/qs.2025.735257

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۲۵
تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۲/۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۰

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

علوم قرآنی تفاوت خاصی با دیگر شاخه‌های علوم اسلامی دارد و آن اینکه هویت جمعی (علوم) داشته و گاه به صورت مضاف و گاه به صورت صفت برای علوم به کار می‌رود؛ لذا کرانه و مسائلی آن نیز بسیار متنوع و در طول تاریخ شاهد دگرگونی بوده است. سؤال این است که اولاً، چه تحولاتی در کرانه‌ها و مباحث این علم رخ داده و ثانیاً، چرا این تحولات رخ داده است؟ برای پاسخ به این سؤال آثار علوم قرآنی در طول تاریخ جهان اسلام در حد امکان جمع‌آوری و با روش نقد تاریخی مورد تحلیل قرار گرفت. در نهایت مشخص شد که تنوع در ذات این علم وجود دارد و از ماهیتی چند وجهی تشکیل شده است که هر وجه آن به علم خاصی بازمی‌گردد. همچنین تنوع و انعطاف آن در طول تاریخ تابع همین پدیده بوده است؛ زیرا در طول تاریخ علوم اسلامی، هر زمانی علمی پدید آمده یا در آن تغییراتی متناسب با سؤالات و نیازهای روز رخ داده است و این تغییرات مستقیماً در کرانه‌ها و مسائل علوم قرآنی تأثیر گذاشته است.

واژگان کلیدی

علوم قرآن، علوم قرآنی، تطور علوم، رابطه علوم، علوم اسلامی.



مقدمه

علوم قرآنی گرچه یکی از شاخه‌های علوم اسلامی به‌شمار می‌رود، اما یک تفاوت مهم با دیگر شاخه‌ها داشته و آن چند وجهی بودن آن است؛ به‌گونه‌ای که در عنوان این دانش نیز انعکاس یافته و به‌صورت جمع از آن یاد می‌شود، حتی گاه به هیات مضاف و مضاف الیه «علوم قرآن» و گاه در هیات موصوف و صفت «علوم قرآنی» به‌کار می‌رود. علت این تفاوت و ویژگی خاص در علوم قرآنی چیست؟ مسائل این علم نیز اشتراک زیادی با دیگر علوم دارند؛ برای مثال تاریخ قرآن، بحثی تاریخی، اعجاز، بحثی کلامی، محکم و متشابه، بحثی تفسیری و واژگان دخیل بحثی زبانشناختی است. در این شرایط سؤال پیش می‌آید که کرانه این علم چیست و چه رابطه‌ای با علوم مختلف دارد و اساساً چرا هر زمانی برخی مسائل جدید مثل هرمنوتیک مطرح و احیاناً برخی دیگر مانند خالقیت قرآن، از دستور کار خارج می‌شوند. پژوهش حاضر بر اساس استقرا و تحلیل تاریخی آثار علوم قرآنی در طول تاریخ جهان اسلام به دنبال پاسخ به این سؤال است که چرا علوم قرآنی در طول تاریخ خود تنوع فراوانی را تجربه کرده است.

مرزبندی این علم با دیگر علوم چیست؟

۱. پیشینه

سیوطی در دیباچه کتاب خود به پیشینه تألیفات درباره علوم قرآن پرداخته است (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۴۰). اعلام الدراسات القرآنیه فی خمسہ عشر قرناً، نوشته مصطفی صاوی جوینی و معجم مصنفات القرآن الکریم، نگارش علی شواخ اسحاق به نگارش‌های علوم قرآنی نیز پرداخته‌اند؛ کتاب سیر نگارش‌های علوم قرآنی، اثر محمدعلی مهدوی راد به‌گونه‌ای ویژه به آثار علوم قرآنی پرداخته و آنها را در سیری تاریخی معرفی کرده است؛ مقدمه محقق و پاورقی‌های البرهان فی علوم القرآن، اثر زرکشی (نشر دارالمعرفه بیروت، به قلم یوسف بن عبدالرحمن مرعشلی) نیز گزارشی گسترده در این زمینه ارائه کرده است. کتاب درآمدی بر تاریخ علوم قرآنی، اثر محمدتقی دیباری و سیر تطور علوم قرآن، نوشته ابراهیم اقبال؛ دانشنامه قرآن لایدن نیز در مقاله «رشته‌های

تحول و چرایی پژوهش‌های علوم قرآنی

سنتی مطالعات قرآنی» (See: Gilliot, 2006, 5, pp.312-339)، نوشته کلاود جیلیوت (Claude Gilliot) به معرفی علوم قرآنی و شاخه‌های آن پرداخته است.

۲. ماهیت چندوجهی علوم قرآن

علوم قرآن دانشی است دربردارنده مباحثی درباره قرآن کریم از نظر نزول، ترتیب، جمع، کتابت، قرائت، تفسیر، اعجاز، ناسخ و منسوخ و مانند آن (زرقانی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۰/عتر، ۱۴۱۶، ص ۸)؛ هرچند به نظر می‌رسد تعریف یادشده، لفظی بوده و بیشتر با رویکرد شرح‌الاسمی، زوایای علوم قرآنی و گستره آن را تا اندازه‌ای روشن می‌کند. علوم قرآنی کرانه ثابتی ندارد و پیرو پرسش‌هایی است که درباره قرآن مطرح می‌شود و همواره برخی مسائل بر آن وارد می‌شود؛ برای نمونه در دهه‌های اخیر در پی طرح برخی انگاره‌ها درباره تمثیلی یا اسطوره‌ای بودن برخی قصه‌های قرآن (ر.ک: خلف‌الله، ۱۹۹۹، ص ۱۹۷-۲۰۹)، این مسئله به‌طور رسمی در میان علوم قرآنی جای گرفت (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۴، ص ۴۱۸-۴۴۰). همان‌گونه که برخی مسائل علوم قرآنی نیز رفته‌رفته، ارزش خود را ازدست داده و متروک شدند؛ مانند مخلوق بودن قرآن که در سده دوم و سوم قمری مورد توجه بود، ولی امروزه این‌گونه نیست (اشیقر، ۱۴۰۸، ص ۳۶۹-۳۷۰).

نظر به ماهیت منعطف و چندوجهی علوم قرآن در گذشته مرزبندی روشنی میان علوم قرآنی و شاخه‌های دیگر وجود نداشته است؛ از این رو برخی از کتاب‌های تفسیری نام علوم قرآن را بر خود داشتند (ر.ک: مهدوی‌راد، ۱۳۸۴، ص ۴۲)؛ چنان‌که قاضی ابوبکر ابن‌العربی (قرن ششم)، شمار علوم قرآن را بیش از ۷۷ هزار و ۴۵۰ علم برشمرده (ر.ک: سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۶۵)؛ علوم قرآنی، از آن جهت به صیغه جمع می‌آید که هریک از مسائل آن استقلال داشته و دانشی جدا به‌شمار می‌رود و چه‌بسا پیوندی روشن میان این مسائل نباشد (معرفت، ۱۳۸۱، ص ۸۷).

۳. اشتراکات علوم قرآنی با دیگر علوم

نظر به تنوع مباحث علوم قرآنی، در ادامه، طبقه‌بندی فراگیری از مباحث علوم قرآنی ارائه

می‌شود تا گستردگی و وابستگی آن به دیگر علوم مرتبط روشن گردد. مباحث علوم قرآنی یا مربوط به اصل شناخت قرآن است (قرآن‌پژوهی) یا مربوط به فهم قرآن (تفسیرپژوهی)؛ از این رو در دو بخش کلی ارائه می‌شود و هر بخش آن در رابطه با علمی خاص است.

۱-۳. قرآن‌پژوهی

۱. علم کتاب‌شناسی (Bibliography)، شامل تعریف قرآن، اسماء و صفات قرآن، تقسیمات داخلی قرآن (سوره، آیه، جزء و حزب)، خواص و فضایل قرآن، سوره‌ها، آیات و مانند آن.

۲. علم تاریخ؛ شامل نخستین و واپسین نزول، حالت‌های نزول (شب و روز، سفر و حضر، فترت‌های انقطاع وحی، نزول جامع و بخش‌بخش)، مدت نزول، مکی و مدنی، ترتیب نزول، آیات استثنایی، تاریخ‌گذاری نزول، اسباب نزول، تکرار نزول، گردآوری قرآن، نخستین حاملان (حافظان) قرآن، اولین کاتبان قرآن، نخستین مصحف‌ها، اولین ابزارهای نگارش، تدوین قرآن در زمان خلفا، مصاحف عثمانی، تواتر قرآن و مانند آن.

۳. علم کلام؛ شامل وحی‌شناسی، اعجاز قرآن، خلق قرآن، تحریف‌ناپذیری، هدف و رسالت قرآن، جامعیت و جاودانگی قرآن و مانند آن.

۴. علم زبان‌شناسی؛ شامل واژگان دخیل، واژگان و لهجه‌های غیرحجازی، وجوه و نظایر، غریب‌القرآن، حروف مقطعه و...

۵. علم قرائت؛ شامل: گونه‌شناسی، طبقات قاریان، حجیت و...

۶. علم تجوید؛ شامل: ضبط صحیح تلفظ حروف، تجوید، صوت و لحن، وقف و ابتدا و...

۷. علم کتابت؛ شامل: ضبط المصحف، رسم المصحف، رسم الخط، کتیبه‌شناسی و نسخه‌شناسی.

۸. علم متن‌کاوی (Text Analysis یا Text Mining)؛ شامل: طبقه‌بندی محتوایی قرآن به عقاید و احکام و اخلاق و قصص، انسجام محتوایی و ساختاری سوره‌ها، محکم و متشابه،

تحول و چرایی پژوهش‌های علوم قرآنی

ناسخ و منسوخ، تنزیل و تأویل، ظهر و بطن و...

۹. مطالعات میان رشته‌ای و تطبیقی قرآن و عهدین، قرآن و فرهنگ زمانه، قرآن و علوم تجربی، ادبی، انسانی، و مانند آن.

۲-۳. تفسیر پژوهی

در تفسیر پژوهی نیز خود شاخه‌های متعدد و متنوعی دارد:

فلسفه تفسیر؛ امکان و شرایط فهم قرآن، حجیت ظواهر قرآن، تعریف و حدود تفسیر، تفسیر به رأی، تفسیرپذیری قرآن، نیاز قرآن به تفسیر، هرمنوتیک و...

اصول تفسیر: جایگاه دانش‌های منتسب به شارع (نفس قرآن و اخبار) در تفسیر قرآن، جایگاه دانش‌های غیرمنتسب به شارع (علوم عقلی، علوم تجربی، علوم شهودی و علوم تاریخی) در تفسیر قرآن، شرایط و علوم مورد نیاز مفسر، ساختارمندی متن قرآن؛ ذووجه و ذویطون بودن قرآن، جری و تطبیق (تأویل)، مبانی تفسیر، قواعد تفسیر و مباحث نوین درباره فهم متن همچون زبان قرآن، نشانه‌شناسی، معناشناسی و).

۳. روش‌شناسی تفسیر، شامل روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، رویکردها و سبک‌های تفسیری، مکاتب و مذاهب تفسیری و مانند آن.

۴. تفسیرشناسی و مفسرشناسی، شامل دوره‌های تفسیری، طبقات مفسران و معرفی و نقد کتاب‌های تفسیری و نویسندگان آن.

۵. ترجمه‌پژوهی و مباحث مربوط به آن، همچون ترجمه‌پذیری قرآن، جواز ترجمه، امکان تلقی ترجمه قرآن به‌عنوان متنی مقدس؛ گونه‌های ترجمه، روش‌های ترجمه، معرفی و نقد ترجمه‌ها و مترجمان.

۴. تغییرات علوم قرآن در بستر تاریخ

علوم قرآن علمی منعطف بوده و در هر زمان و مکانی با توجه به اقتضانات علمی جامعه تغییراتی داشته است. البته انعطاف نسبت به نیازهای روز، در همه علوم وجود دارد؛ پس آنچه

علوم قرآنی را متمایز می‌نماید، گستردگی مسائل آن با توجه به علوم دیگر است. به عبارت دیگر، علوم قرآن خود مولد تغییرات نبوده و غالباً تابع تغییرات در علوم دیگر بوده است. در ادامه گزارشی بر اساس سیر تاریخی از علوم قرآنی خواهیم داشت.

۴-۱. علوم قرآنی در قرآن

طرح مباحث کلی درباره قرآن، همزاد نزول این کتاب آسمانی بوده و قرآن خود به آن پرداخته است. قرآن افزون بر معرفی خود، به مسائل پیرامونی نیز توجه داشته است؛ چنان‌که به نمونه‌های فراوانی از این آیات می‌توان اشاره نمود؛ برای نمونه در دومین سوره قرآن، شبیهه کافران درباره معجون بودن پیامبر ﷺ (قلم: ۵۱)، در سوره هفتم، چگونگی دریافت وحی توسط پیامبر ﷺ از فرشته وحی، همچنین دخالت نداشتن شیطان در وحی (تکویر: ۱۹ و ۲۵)، و در هشتمین سوره، امکان بازخوانی قرآن و فراموش نشدن آن از سوی پیامبر ﷺ گزارش شده است (اعلی: ۶)؛ در همین سوره، پیشینه برخی درونمایه‌های قرآن به صحف گذشته بازگردانده می‌شود (اعلی: ۱۸-۱۹)؛ در سوره قدر (نزول ۲۵) زمان نزول قرآن را شب قدر معرفی می‌کند (قدر: ۱)؛ در سوره فرقان (نزول ۴۲) به این شبیهه که پیامبر ﷺ با کمک برخی و بهره‌گیری از اساطیر گذشته، قرآن را ساخته‌اند، پاسخ داده شده است (فرقان: ۴ و ۶)؛ در همین سوره به حکمت نزول تدریجی قرآن اشاره می‌شود (فرقان: ۳۲)؛ در سوره شعرا (نزول ۴۷) از زبان قرآن سخن می‌گوید که با بیانی روشن و آشکار همراه است (شعراء: ۱۹۵)؛ در سوره قصص (نزول ۴۹) برای نخستین بار به تحدی پرداخته و مخالفان را به هماوردی فرا می‌خواند (ر.ک: قصص: ۴۹ و ۵۱)؛ در سوره یونس (نزول ۵۱) هرگونه دخالت شخصی پیامبر ﷺ در وحی قرآنی نفی شده است (یونس: ۱۵)؛ در سوره حجر (نزول ۵۴) خداوند، خود را مسئول حفظ و صیانت قرآن معرفی می‌کند (حجر: ۹)؛ سوره انعام (نزول ۵۵) بیان می‌دارد که چرا قرآن همچون کتابی کاغذی نازل نشده است (انعام: ۷)؛ در سوره‌های فصلت (نزول ۶۱) و نحل (نزول ۷۰) به این شبیهه که قرآن دارای مصدر انسانی است پاسخ داده می‌شود (نحل: ۱۰۳/فصلت: ۶)، سوره آل عمران (نزول ۸۹) به مسئله محکم و متشابه می‌پردازد (آل عمران: ۷)؛ در سوره نسا (نزول ۹۲)

تحول و چرایی پژوهش‌های علوم قرآنی

به نبود اختلاف میان آیات قرآن اشاره شده (نساء: ۸۲) و وحی‌های قرآنی، هم سنخ وحی‌های نازل‌شده بر پیامبران دیگر معرفی شده‌اند (نساء: ۱۶۳)؛ سوره مائده (نزول ۱۱۳) نیز قرآن را با کتاب‌های آسمانی دیگر مقایسه کرده، آن را تصدیق‌کننده و درعین حال برتر و مراقب آنها معرفی می‌کند (مائده: ۴۸).

۲-۴. علوم قرآن در زبان اهل بیت علیهم‌السلام و صحابه

افزون بر قرآن، شخص پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، اهل بیت علیهم‌السلام و نیز دانشمندان از صحابه و تابعان به مباحث حول القرآن پرداخته‌اند؛ این‌گونه اخبار در ضمن برخی از ابواب کتاب‌های روایی آمده‌اند؛ مانند باب أنزل القرآن علی سبعة أحرف، باب القراء (ر.ک: بخاری، ۱۴۰۱، ج ۶، ص ۱۰۰-۱۰۲) و باب فضل القرآن (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۹۶-۶۰۲)؛ همچنین کتاب القرآن (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۹ و ۹۰، ص ۱، ۳۸۴ و ۳۹۴) یا کتاب‌های تفسیری مانند مقدمه جامع البیان فی تفسیر القرآن (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۸-۲)؛ گاه نیز اخبار مزبور به‌صورت مستقل ثبت شده‌اند؛ مانند رساله نعمانی در اصناف و انواع آیات قرآن که به امیر مؤمنان علیه‌السلام منسوب است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۰، ص ۱-۴) شاید بتوان نخستین اثر نوشته‌شده را - که دربردارنده برخی از مسائل علوم قرآنی چون ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، و اسباب نزول بوده و در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا بلافاصله پس از رحلت آن حضرت تدوین شده است - مصحف تفسیری حضرت امیر مؤمنان، علی علیه‌السلام دانست (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۶۲-۶۴ / ابن‌ندیم، ۱۳۹۳، ص ۳۰ / معرفت، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۹۲-۲۹۳).

سده نخست و دوم: معانی القرآن، قرائت، نسخ و برخی مباحث ظاهری. نخستین و تنها نگاشته گزارش‌شده سده نخست، کتاب فی القرائه، اثر یحیی بن یعمر است؛ دومین نویسنده این دوره، حسن بصری (م. ۱۱۰ق) است که درباره نزول قرآن و شمارش آیات آن، کتاب‌های نزول القرآن و عددای القرآن را نگاشت (ر.ک: بصری، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۴۳ «مقدمه» / ابن‌ندیم، ۱۳۹۳، ص ۴۰ / سزگین، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۷ و ۶۷-۶۸). در این دوره همچنین قتاده بن دعامه سدوسی (م. ۱۱۷ق) الناسخ والمنسوخ فی کتاب اللّٰه را نوشت که به‌نظر می‌رسد نخستین

رساله مستقل در این موضوع است؛ موضوعی که همواره بیش و کم توجه دانشمندان را برانگیخته و در هر قرن یک یا دو تألیف به آن اختصاص یافته است. زیدبن علی (م. ۱۲۲ق)، فقیه، محدث و مفسر صاحب قرائت (ر.ک: سزگین، ۱۳۸۰، صص ۴۰ و ۸۰۷) نیز پژوهشگری است که دو اثر با عنوان القرائه (ر.ک: زیدبن علی، ۱۴۱۴، ص ۲۴ «مقدمه»/ سزگین، ۱۳۸۰، صص ۴۰ و ۸۰۷) و غریب القرآن (ر.ک: زیدبن علی، ۲۴ «مقدمه»/ سزگین، ۱۳۸۰، ص ۸۰۶) به وی نسبت داده شده است. مفسر و محدث شیعی، ابان بن تغلب (م. ۱۴۱ق) از یاران امام باقر^{علیه السلام} (ر.ک: نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۱۰/ یاقوت حموی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۱۰۷-۱۰۸) نیز کتابی به نام غریب القرآن (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۷، ص ۵۷) و اثری دیگر در قرائات (ابن ندیم، ۱۳۹۳، ص ۲۷۶) نگاشته است. مقاتل بن سلیمان (م. ۱۵۰ق) نیز الاشباه والنظائر فی القرآن الکریم را نگاشت که از کهن ترین آثار در این زمینه به شمار می رود (ر.ک: مقاتل، ۲۰۰۱م، ص ۸۱-۸۰ «مقدمه»).

سده سوم و چهارم: رشد مسائل ادبی و قرائت، و اوج گیری مباحث کلامی: در سده سوم - افزون بر قرائات - مباحث ادبی و لغوی درباره قرآن نیز رشد یافت. یحیی بن زیاد فرّاء (م. ۲۰۷ق) کتاب اختلاف اهل الکوفه والبصره والشام فی المصاحف (ابن ندیم، ۱۳۹۳، ص ۳۹) و الجمع والتشبه فی القرآن و المصادر فی القرآن و معانی القرآن را نوشت (ر.ک: ابن ندیم، ۱۳۹۳، ص ۷۳/ سیوطی، [بی تا]، ج ۲، ص ۳۳۳)؛ در این دوره در پی دگرگونی های سیاسی و فرهنگی گسترده و مهم در جامعه اسلامی، در ارتباط با قرآن گفتگوهای بسیاری انجام شد و شبهه های کلامی فراوانی درباره آن مطرح گردید (ر.ک: ابن قتیبه دینوری، [بی تا]، ج ۴، ص ۱۴-۱۶)؛ برای نمونه بنا به برخی از گزارش ها، ابن راوندی (م. ۲۹۸ق) از نخستین کسانی بود که ادعای تناقض میان نصوصی از قرآن را مطرح کرد (ر.ک: قاضی عبدالجبار اسدآبادی، ۱۹۶۵، ج ۱۶، ص ۳۹۰)؛ همچنین در این دوره، رویکرد دانشمندان اسلامی به مباحث اعجاز، شبّهات و متشابهات قرآن معطوف شد؛ البته این مسئله بی ارتباط با گسترش جریان فکری معتزلی نبود. خاستگاه اعجاز قرآن - به عنوان موضوعی مشخص در علوم قرآنی - به دوران نزدیک به اوج علمی عمرو بن بحر مشهور به جاحظ (م. ۲۵۵ق) بازمی گردد (ر.ک: آقایی، ۱۳۸۷، ص ۲۷۶-۲۷۷)؛ او با پرداختن به مباحث اعجاز قرآن (جاحظ، ۲۰۰۲، ص ۲۴) کتابی به نام نظم

تحول و چرایی پژوهش‌های علوم قرآنی

القرآن نگاشت؛ (ر.ک: ابن ندیم، ۱۳۹۳، ص ۴۱). ابن قتیبه دینوری (م. ۲۷۶ق) نیز چند کتاب از جمله تأویل مشکل القرآن را با انگیزه دفاع از قرآن در برابر تهمت‌های ملحدان نگاشت (ر.ک: ابن قتیبه، [بی‌تا]، ص ۴ «مقدمه»).

کتاب فضائل القرآن، اثر قاسم بن سلام هروی (م. ۲۲۴ق) در ۶۷ باب، پانزده بحث از مباحث علوم قرآنی را بررسی کرده است؛ وی در این کتاب، نخستین گام را در توجیه احادیث تحریف‌نما برداشته و بر سلامت قرآن تأکید کرده است (ر.ک: هروی، ۱۴۲۶، ص ۱۹۵). در این ارتباط به حسن بن علی بن فضال (م. ۲۲۴ق) نیز - که او را از اصحاب خاص امام رضا^{علیه السلام}، جلیل‌القدر و ثقة دانسته‌اند - (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۵۴/همو، ۱۴۱۷، ص ۹۸)، کتاب‌هایی با نام‌های الناسخ والمنسوخ و الشواهد من کتاب اللّٰه نسبت داده شده است (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۳۶). نخستین اثر درباره اسباب نزول را نیز علی بن عبدالله بن جعفر مدینی (م. ۲۳۴ق) با عنوان اسباب النزول نگاشته است (ر.ک: ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۱۱، ص ۴۱/زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۳۰۳/حاجی خلیفه، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۷۶).

سده چهارم، عصر شکوفایی دانش است: در این سده، اندیشه‌ها در حوزه فرهنگ اسلامی رشدی درخور داشت؛ با پیدایش جریان فکری اشعری و چالش آن با مکتب فکری معتزلی، علم کلام رونق ویژه‌ای یافت؛ از این رو در میان مسائل علوم قرآنی، آثار فراوانی با موضوع اعجاز و نظم قرآن که به نظر می‌رسد اصلی‌ترین بحث قرن بوده است، تألیف شد؛ برای نمونه محمد بن زید واسطی (م. ۳۰۷ق) کتاب اعجاز القرآن فی نظمه و تألیفه را نگاشت (ر.ک: ابن ندیم، ۱۳۹۳، ص ۲۲۰/داوودی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۱۴۸) که نخستین اثر با این نام بود (مهدوی‌راد، ۱۳۸۴، ص ۳۷). در سال‌های پایانی این سده، علی بن عیسی رُمّانی (م. ۳۸۴ق) از دانشوران شیعی (ر.ک: ذهبی، [بی‌تا]، ج ۱۶، ص ۵۳۳-۵۳۴/آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ص ۱۹۳) با نگاشتن رساله النکت فی اعجاز القرآن - پس از جاحظ (م. ۲۵۵ق) و واسطی (م. ۳۰۷ق) - سومین نوشتار مهم در تبیین و توضیح اعجاز قرآن را نگاشت و در آن به موضوع نظم و اسلوب بیان در پیوند با اعجاز قرآن پرداخت (ر.ک: شرف، ۱۳۹۰، ص ۳۷/سلام، ۱۹۶۱، ص ۲۳۴-۲۳۶). احمد بن محمد خطابی (م. ۳۸۸ق) نیز در کتاب بیان اعجاز القرآن، نظریه «صرفه» را به نقد

کشیده (ر.ک: شرف، ۱۳۹۰، ص ۴۷/سلام، ۱۹۶۱، ص ۲۵۵) و خود را از نخستین کسانی می‌شمرد که به اعجاز موسیقایی قرآن پی برده‌اند (زُمانی، [بی‌تا]، ص ۷۰). عبداللّه بن سلیمان سجستانی (م. ۳۱۶ق)، و دیگران کتابهایی با عنوان نظم القرآن نگاشته‌اند. (ر.ک: ابن ندیم، ۱۳۹۳، ص ۲۸۸-۱۵۳/نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۳۷۹)؛ همچنین در این قرن ابوبکر نیشابوری (م. ۳۲۴ق) نخستین بار علم تناسب و روابط آیات را مطرح کرد (ر.ک: زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۶). مسئله متشابهات قرآن نیز که در سده سوم - در پی رونق بحث‌های عقلی - مورد توجه قرار گرفته بود، در قرن چهارم نمود بیشتری یافت و پژوهش دانشمندانی چون ابوعلی جبائی معتزلی (م. ۳۰۳ق) (ر.ک: بروکلمان، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۳۱)، حسن بن موسی نوبختی شیعی (م. ۳۱۰ق) (شهرستانی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۹۰) و ابوالحسن اشعری (م. ۳۲۴ق) را به خود اختصاص داد.

احمد بن محمد بن سیّار (م. ۳۶۸ق) - که به ضعف حدیث، فساد مذهب، کثرت مراسیل، غلو و انحراف متهم است (ر.ک: نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۸۰/طوسی، ۱۴۱۷، ص ۶۶/ابن غضائری، ۱۴۲۲، ص ۴۰/علامه حلی، ۱۴۱۷، ص ۳۲۰) - کتابی به نام التنزیل والتحریف نگاشت (ر.ک: آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۷، ص ۵۲/خویی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۴) و زمینه‌ای برای طرح شبهه تحریف قرآن فراهم کرد. وجود چنین تألیفی در کنار نوشته‌های گوناگون درباره نظم و اعجاز قرآن، نشان از رونق بحث‌های کلامی مرتبط با قرآن، در این سده دارد که در سده پنجم نیز ادامه یافت.

نکته دیگر در این قرن، محدود کردن دامنه قرائت‌ها بود که تا اندازه زیاد از گسترش بی‌رویه قرائت‌ها جلوگیری کرد. در قرن سوم، احمد بن موسی بن مجاهد (م. ۳۲۴ق) تصمیم گرفت قرائت‌ها را به چند قرائت اصلی محدود و زمینه شهرت آنها را فراهم کند؛ (ر.ک: ابوشامه مقدسی، ۱۴۲۴، ص ۱۴۴).

در این قرن برای نخستین بار عنوان «علوم قرآن» در معنای اصلی خود (مباحث پیرامونی قرآن) به کار رفت و محمد بن قاسم انباری نحوی (م. ۳۲۸ق) کتابی به نام عجائب علوم القرآن نگاشت (ر.ک: صالح، ۱۳۷۲، ص ۱۲۲).

تحول و چرایی پژوهش‌های علوم قرآنی

سده پنجم تا هفتم: اوج‌گیری مباحث ادبی و اندیشه شیعی در مباحث قرآنی: قرن پنجم شاهد اوج مباحث کلامی درباره قرآن، به‌ویژه اعجاز قرآن بوده است؛ در این سده، ادیب و متکلم اشعری، محمدبن طیب باقلانی (م. ۴۰۳ق) کتاب مهم و تأثیرگذار اعجاز القرآن را نگاشت (ر.ک: سلام، ۱۹۶۱، ص ۲۷۹/خطیب، ۱۹۷۴، ص ۱۹۴). این سده که دوران انسجام مباحث علمی شیعه به‌شمار می‌رود، در علوم قرآنی نیز شاهد پژوهش‌های علمی چشمگیری از سوی دانشمندان شیعی بوده است که از آنها یا به‌صورت مستقل یا در ضمن کتاب‌های کلامی و اصولی یاد شده است؛ برای نمونه سیدمرتضی (م. ۴۳۶ق) فقیه و متکلم شیعی، الموضح عن جهه اعجاز القرآن را نگاشت. از اثر یادشده آنجا که به مبانی قول به صرفه در اعجاز قرآن پرداخته، با عنوان «صرفه» نیز یاد شده است. شیخ صدوق (م. ۳۸۱ق) برای تحریف‌ناپذیری آن، برهان اقامه کرد (ر.ک: صدوق، ۱۴۱۴، ص ۸۴-۸۵). از جمله افراد تأثیرگذار در این سده، عبدالقاهر بن عبدالرحمن جرجانی (م. ۴۷۱ق) متکلم و قرآن‌پژوه است که کتاب مهم دلائل الاعجاز و چند اثر دیگر را نگاشت. وی در رساله «الشافیه» در پاسخ به قائلان صرفه؛ مانند ناپذیری قرآن را به اوج بلاغت، استواری تعبیر و فصاحت بیان مستند می‌کند (ر.ک: رُمّانی، [بی‌تا]، ص ۱۱۵-۱۵۸).

دومین موضوعی که ذهن قرآن‌پژوهان این سده را به خود مشغول کرده بود، مسئله قدیمی قرائات بود. تفاوت اصلی نوشته‌های سده چهارم به‌بعد با گذشته، در این بود که تا پیش از این غالباً با رویکردی بیش‌وکم تکثیری، به تنوع قرائت‌ها می‌پرداختند، ولی رویکرد اصلی از این پس، توجه به قرائت‌ها و توجیه آنها به‌ویژه قرائات هفت‌گانه بوده است؛ برای نمونه کتاب الکشف عن وجوه القراءات السبع وعللها وحججها، نوشته مکی بن ابی طالب قیسی (م. ۴۳۷ق) از جمله این آثار است. عثمان بن سعید دانی (م. ۴۴۴ق)، نیز کتاب مشهور التیسیر فی القراءات السبع را نوشت.

اثر مهم دیگر در این سده، تلخیص البیان فی مجازات القرآن، تألیف فقیه، ادیب و مفسر شیعی، محمدبن حسین مشهور به سید رضی (م. ۴۰۶ق) است؛ این کتاب، به‌ظاهر نخستین اثری است که به‌صورت ویژه واژه «مجاز» را در مفهوم بلاغی آن به‌صورتی گسترده در قرآن

کریم به کار گرفت و آیات الهی را بر پایه آن تفسیر نمود (سید رضی، ۱۴۰۶، ص ۳۰ «مقدمه»). دیباچه التبیان فی تفسیر القرآن، اثر محمدبن حسن طوسی (م. ۴۶۰ق) نیز افزون بر ایجاز، در بردارنده برخی از مهم‌ترین مباحث علوم قرآنی، چون صیانت قرآن از تحریف، مبانی تفسیر روایی و عدم تناقض در قرآن است. در این سده، قاضی عبدالجبار اسدآبادی (م. ۴۱۵ق) متشابه القرآن را نگاشت که به احتمال، نخستین اثر در زمینه متشابهات به معنای امروزی آن (متشابه معنوی در مقابل محکم) است و سرآغازی برای نوشته‌های پیاپی بعدی شد که به طور پراکنده در طول تاریخ ادبیات علوم قرآنی بدان پرداخته شده است.

در سده ششم، مسئله اعجاز قرآن همچنان مورد توجه دانشمندان بود؛ نمونه آن، پژوهش‌های محدث و مورخ، عیاض بن موسی، مشهور به قاضی عیاض (م. ۵۴۴ق)، نویسنده کتاب اعجاز القرآن است که به مباحثی چون وجوه اعجاز قرآن، فصاحت و بلاغت، و چینش، نظم و شیوایی بیان پرداخته است؛ نمونه دیگر، کتاب فی اعجاز القرآن و تفسیر سوره الکوثر، نگارش سعیدبن هبه الله قطب راوندی (م. ۵۷۳ق)، مفسر، متکلم، محدث و فقیه شیعی است. به نظر می‌رسد، مباحث ادبی که در سده‌های چهارم و پنجم مورد توجه قرار گرفته بود، در این سده بروز بیشتری یافت؛ بنابراین افزون بر نگارش تفاسیر فخیم با رویکرد ادبی، همچون: الکشاف، اثر زمخشری (م. ۵۳۸ق)، و مجمع البیان فی علوم القرآن و تفسیر جوامع الجامع طبرسی (م. ۵۴۸ق)، مسائل علوم قرآنی نیز معطوف به نکات ادبی قرآن مورد توجه قرار گرفت؛ مانند رساله اعجاز القرآن فی سوره الکوثر تألیف مفسر معتزلی، محمودبن عمر زمخشری که در جلد پنجم التمهید نشر یافته است (ر.ک: معرفت، ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۶۰۵-۶۳۴)؛ تفسیر مشکل اعراب القرآن، اثر قاسم بن علی حریری (م. ۵۱۶ق)؛ التلخیص فی علل القرآن در شرح «ما» و «من» و علت‌هایی که در قرآن است، تألیف مبارک بن حسن شهرزوری بغدادی (م. ۵۵۰ق)؛ البیان فی غریب اعراب القرآن، نگارش ابوالبرکات عبدالرحمن بن محمد انباری (م. ۵۷۷ق) (مهدوی‌راد، ۱۳۸۴، صص ۷۱، ۷۲، ۷۵ و ۷۸) و نیز المعرب من الکلام الاعجمی، نوشته موهوب بن احمد جوالیقی (م. ۵۴۰ق) که برخی آن را نخستین اثر درباره واژگان دخیل دانسته‌اند (ر.ک: جفری، ۱۳۹۲، ص ۱۸ «مقدمه»).

تحول و چرایی پژوهش‌های علوم قرآنی

یکی از نقاط عطف سده ششم را باید نگارش آثار محمدبن محمد غزالی (م. ۵۰۵ق) دانست؛ وی در فصلی از احیاء علوم الدین به مباحث گوناگونی از علوم قرآن، همچون قرائت و چگونگی بهره‌وری از معارف آن پرداخت (ر.ک: غزالی، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۵۲۴-۵۲۶) و در اثر دیگر خود، جواهر القرآن، نظریه پیوند علوم با قرآن را مطرح و از اشمال قرآن بر تمامی علوم بحث کرد (ر.ک: همو، ۱۴۰۹، ص ۱۳-۳۳).

در سده هفتم، مسئله اعجاز، همچنان پررونق بود؛ مباحث ادبی نیز نه تنها اهمیت خود را از دست نداده، بلکه توجه بیشتری به اعجاز ادبی معطوف شده بود؛ برای نمونه متکلم و مفسر محمدبن عمر، مشهور به فخر رازی (م. ۶۰۶ق)، دو کتاب عبدالقاهر جرجانی: اسرار البلاغه و دلایل الاعجاز را درآمیخته و با پیرایش و آرایشی نوین در کتابی با عنوان نهایه الاعجاز فی درایه الاعجاز ارائه نمود (ر.ک: هلال، ۱۳۷۹، ص ۹۵). زَمَلْکَانِی (عبدالواحدبن عبدالکریم (م. ۶۵۱ق)) نیز دلایل الاعجاز جرجانی را بازنویسی کرد و با تبویب جدید و تفصیل، به نام التبیان فی علم البیان المطلق علی اعجاز القرآن عرضه کرد (زملکانی، ۱۳۹۴، ص ۱۸ «مقدمه»). وی کتاب‌های دیگری نیز در اعجاز قرآن و وجوه اعجاز تألیف کرد. کتاب مهم املاء ما منّ به الرحمن، نگارش عبدالله بن حسین عکبری بغدادی (م. ۶۱۶ق) دستاورد همین سده است.

همچنین در این قرن، علی بن موسی بن طاووس (م. ۶۶۴ق) فقیه، محدث و زاهد نامدار شیعی، سعد السعود را در راستای استخراج فهرست موضوعی کتابخانه غنی خویش نگاشت. باب دوم این کتاب، گزارش آثار و نگاه‌های در تفسیر قرآن کریم و علوم مرتبط با آن و آکنده از داده‌های ارزشمند و گاه منحصر به فرد در علوم قرآنی است.

سده هشتم تا دهم: اوج‌گیری علوم قرآنی: در سده هشتم دانشمندان برجسته‌ای در ادبیات پدیدار شدند؛ از جمله: محمدبن یوسف مشهور به ابوحیان اندلسی و ابوحیان نحوی (م. ۷۴۵ق)، احمدبن یوسف حلبی، معروف به سمین (م. ۷۵۶ق) که کتاب الدر المصون و علوم الکتاب المکنون را در اعراب قرآن تدوین نمود. در این دوره همچنین سلیمان بن عبدالقوی طوفی (م. ۷۱۶ق) با نگارش الاکسیر فی علم التفسیر، به تفصیل به مباحث مقدماتی تفسیری چون تعریف تفسیر و تفاوت آن با تأویل پرداخته (طوفی، [بی‌تا]،

ص ۲۸) و به ضرورت وضع قانون برای دستیابی به معانی قرآن توجه نمود (ر.ک: طوفی، [بی تا]، ص ۳۳-۴۴)؛ کتاب یادشده از نخستین آثاری است که مباحث مقدماتی تفسیر را به گونه ای گسترده مورد بررسی قرار داده است.

بی گمان چهره جنجالی سده هشتم تقی بن احمد حرانی، مشهور به ابن تیمیه (م. ۷۲۸ق) است که بنیاد تفکر سلفی گری را بنا نهاد؛ از جمله آثار وی در حوزه علوم قرآنی، مقدمه فی اصول التفسیر، التبیان فی نزول القرآن و شرح حدیث انزل القرآن علی سبعة أحرف است. شاگرد وی، محمد بن ابی بکر، مشهور به ابن قیم جوزی (م. ۷۵۱ق) نیز کتاب التبیان فی اقسام القرآن را نگاشت (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۷۷).

مشهورترین چهره علوم قرآنی سده هشتم، بدرالدین محمد بن عبداللّه زرکشی (م. ۷۹۴ق) نویسنده کتاب البرهان فی علوم القرآن است؛ این کتاب در عصر خود در جامعیت و گستردگی بحث های علوم قرآنی همانندی نداشت. اثر یادشده، همچنین چکیده ای عالمانه از بیش از سیصد منبع پیش از خود است.

در سده نهم نیز چهره های به نسبت شاخصی پدیدار شدند؛ چون محمد بن محمد جزری دمشقی (م. ۸۳۳ق)، نویسنده کتاب النشر فی القراءات العشر که به موضوع قرائت ها، پس از کم فروغ شدن در یک یا دو قرن اخیر، جان تازه ای بخشید. این کتاب که جامع کتاب های پیشینان بوده و از مهم ترین آنها در زمینه قرائت است، ضمن معرفی قرائت ها، قاریان ده گانه را با همه زنجیره های روایتی، همراه با تاریخ اجازه روایتی هر یک شناسانده است. از دیگر دانشوران این سده، محمد بن یعقوب فیروزآبادی (م. ۸۱۷ق) نویسنده کتاب بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز است که در آن، مباحث گوناگون علوم قرآنی را ارائه نمود (مهدوی راد، ۱۳۸۴، ص ۱۳۴-۱۳۵).

اما سده دهم، عصر نابغه علوم قرآنی، جلال الدین سیوطی (م. ۹۱۱ق) است. مشهورترین کتاب علوم قرآنی وی و چه بسا پر آوازه ترین نوشتار در تاریخ علوم قرآنی، الإیتقان فی علوم القرآن است که باید آن را عصاره همه مباحث علوم قرآنی مطرح شده تا آن زمان دانست؛ این کتاب بازنویسی اندیشمندان ای از البرهان زرکشی است که با نظمی جدید و ترکیبی ارتقایافته،

تحول و چرایی پژوهش‌های علوم قرآنی

همراه با پیرایش و افزایش در محتوا تدوین یافته است (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۴۸). از دیگر آثار وی می‌توان کتاب‌های التخبیر فی علم التفسیر را که به ابعاد علم تفسیر پرداخته و نیز معترک الاقران فی اعجاز القرآن که از گستردگی، عرضه و سنجش دیدگاه‌ها، تنوع مثال‌ها و نوآوری برخوردار است، برشمرد؛ اثر دیگر وی المهذب فیما وقع فی القرآن من المعرب است که به عرضه تفصیلی واژه‌های دخیل در قرآن پرداخته است؛ سیوطی همچنین در زمینه تناسب سوره‌ها و آیات، کتاب‌های قطف الازهار فی کشف الأسرار، تناسق الدرر فی تناسب السور و مراصد المطالع فی تناسب المقاطع والمطالع را نگاشته است.

سده یازدهم تا سیزدهم: رکود علوم قرآنی: در قرن یازدهم - شاید به علت سیطره آثار سیوطی - علوم قرآنی فروغ چندانی ندارد؛ بیشترین تألیفات، معطوف به مسئله قرائات است. در این بین رساله الکشف عن القرائات السبع، که جزئی از کتاب ناتمام الاربعینیات قاضی سعید قمی (م. ۱۰۴۹ق) است، نوشتاری درخور توجه می‌باشد؛ زیرا از آثار شیعی انگشت‌شماری است که درباره قرائات نوشته شده است. این قرن شاهد تألیف دو تفسیر بارزش شیعی است که دیباچه‌ای درخور توجه درباره علوم قرآنی دارند؛ نخست، تفسیر مفاتیح الغیب، نوشته فیلسوف، محدث، مفسر و اندیشمند شیعی، محمدبن ابراهیم شیرازی، معروف به ملاصدرا (م. ۱۰۵۰ق) و دوم، تفسیر الصافی، نگارش محسن بن مرتضی، معروف به فیض کاشانی (م. ۱۰۹۱ق)؛ این کتاب از شهرت بیشتری برخوردار بوده و در مقدمه و متن تفسیر، نکاتی دقیق از علوم قرآنی، چون معانی و جوه آیات، متشابه، تأویل و تفسیر به رأی، ارائه کرده است (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۹-۳۹). تفسیر الصافی را می‌توان پیش‌قراولی معتدل از رویکرد اخباری‌گری در زمینه تفسیر و علوم قرآنی دانست؛ چراکه پس از وی جریان افراطی آغاز شد و محمدامین استرآبادی (م. ۱۰۳۳ق) حجیت ظواهر قرآن را به چالش کشید (۱۰۴) و بدین ترتیب آن را به یکی از موضوع‌های ثابت علم اصول و علوم قرآنی تبدیل کرد.

یکی از دستاوردهای نوپیدا و کارآمد در این سده، نگارش فهرست‌ها و واژه‌یاب‌های قرآنی است. گرچه سابقه فهرست‌نگاری به پیش از سده یازدهم بازمی‌گردد - مانند کتاب آیه

الآیات، نگاشته شهاب‌الدین احمد بن محمد مدون نیشابوری (م. قرن ۹) - ولی در این قرن توجهی ویژه به آن شد؛ از جمله موسی هزاری (م. قرن ۱۱) و محمد رضا بن عبدالحسین نصیری طوسی (م. قرن ۱۱) هر یک کتابی با عنوان کشف الآیات نگاشته‌اند؛ همچنین سیدناصر بن سیدحسین حسینی نجفی (م. ۱۱۱۸ق)، الجداول النورانیة لتسهیل استخراج الآیات القرآنیة را نگاشت.

رکودی که از سده یازدهم آغاز شده بود، در سده دوازدهم گسترش یافت و جز مسئله قدیمی قرائت، هیچ مسئله دیگری از سوی دانشمندان علوم قرآنی مورد توجه جدی قرار نگرفت. البته وضعیت در میان دانشمندان شیعی متفاوت بود؛ زیرا به دلیل هم‌زمانی این سده با اوج دوران اخباری‌گری در میان شیعیان، آثار مهمی در زمینه علوم قرآنی نگاشته شد که مهم‌ترین آن بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، نگاشته محمدباقر مجلسی (م. ۱۱۱۱ق) است؛ این کتاب، مفصل‌ترین فهرست موضوعی آیات قرآن تا آن هنگام را در خود داشته و در آغاز هر باب از هزاران باب کتاب، مجموعه آیات مربوطه گردآوری و تفسیر شده است؛ افزون‌براین دو جلد ۸۹ و ۹۰ این اثر به مسائل متنوع علوم قرآنی اختصاص یافته است. سیدهاشم حسینی بحرانی (م. ۱۱۰۷ق) نیز در دیباچه تفسیر خود، البرهان فی تفسیر القرآن، در مقدمه‌های شانزده‌گانه، به مسائل گوناگون علوم قرآنی پرداخته است. برخی از عالمان اخباری به رهیافتی افراطی گرویدند که مجالی برای روایات غلوآمیز فراهم آورد؛ از جمله ابوالحسن بن محمد طاهر فتونی عاملی (م. ۱۱۳۸ق) که در مرآة الانوار و مشکاه الأسرار با نگاهی افراطی به مسئله بطن و تأویل پرداخت (ر.ک: فتونی عاملی، ۱۴۱۹، ص ۹۸).

در سده سیزدهم علوم قرآنی بیش‌ازپیش با رکود روبه‌رو شد؛ به‌گونه‌ای که حتی مسئله تکراری قرائت نیز مورد توجه قرار نگرفت. هرچند به تبع احیای مجدد تفکر اصولی در میان شیعیان و برای تدارک مشکلات به‌بارآمده توسط جریان اخباری‌گری، دانشمندان شیعی اصولی آثاری در پیوند با اثبات حجیت ظواهر کتاب نگاشتند؛ مانند رساله حجیه ظواهر الکتاب، اثر محمدباقرین محمد اکمل، معروف به وحید بهبهانی (م. ۱۲۰۵ق) که در مواضع دیگری چون الفوائد الحائریه نیز به این مسئله اشاره کرد (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۲۷۴).

تحول و چرایی پژوهش‌های علوم قرآنی

نظریه عدم حجیت ظواهر (ر.ک: حرّعاملی، ۱۴۰۳، ص ۴۸۳ / معرفت، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۹۲) دانشمندان اصولی را بر آن داشت تا بار دیگر بر تحریف‌ناشدگی قرآن استدلال کنند (ر.ک: منتظری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۷۶)؛ از جمله آثار نوشته‌شده در این باره، کتاب حجیه ظواهر الکتاب وعدم تحریفه، نگارش سید محمدعلی بن سید کاظم مقدس اعرجی کاظمی (م. ۱۲۴۰ق) است. سده چهاردم و پانزدهم: گسترش و توسعه دوباره علوم قرآنی: دهه‌های نخست قرن چهاردهم همچنان شاهد رکود پژوهش درباره علوم قرآنی بود؛ تا آنکه حسین بن محمد تقی نوری، معروف به محدث نوری (م. ۱۳۲۰ق) کتاب فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب را نوشت که موجی از اعتراض دانشمندان شیعه را در پی داشت و موجب شد آنان به نظریه اعجاز قرآن و نیز بازخوانی تاریخ قرآن روی آورند و بار دیگر بر تحریف‌ناشدگی قرآن استدلال کنند.

از میانه‌های سده چهاردهم، دگرگونی در علوم قرآنی آغاز شده و روند صعودی آن تا دهه‌های نخستین قرن پانزدهم (زمان نگارش مقاله) نیز ادامه یافت. عصر حاضر شاهد تحولی همه‌جانبه در علوم قرآن بوده و تألیفات علوم قرآنی، به لحاظ کمیت و تنوع محتوا، رشد چشمگیری داشته است؛ نمونه بارز آن، مجموعه التمهید فی علوم القرآن، اثر محمد هادی معرفت (م. ۱۴۲۷ق) است که از مفصل‌ترین کتاب‌ها در زمینه علوم قرآنی به‌شمار می‌رود؛ وی در این کتاب - دور از تعصب‌های مذهبی - با نگاهی شیعی و نقادانه به تحلیل اهم مباحث علوم قرآنی پرداخته است.

در این دوران، مسئله اعجاز قرآن بار دیگر مورد توجه جدی قرار گرفت و به ابعاد بیش‌وکم جدیدی پرداخته شد؛ همچون: اعجاز تشریحی (مانند الإعجاز التشریحی فی القرآن والسنة، اثر علی محیی‌الدین قره‌داغی؛ التمهید، نوشته محمد هادی معرفت (جلد ۶) و مقدمه آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، نگارش بلاغی نجفی)، اعجاز عددی (مانند الإعجاز العددی للقرآن الکریم، تألیف عبدالرزاق نوفل)، اعجاز هنری و نظم‌آهنگ (مانند التصویر الفنی فی القرآن الکریم، نگارش سید قطب؛ الإعجاز فی نظم القرآن، به قلم محمود سید شیخون (۱۱۲)؛ اعجاز القرآن والبلاغه النبویه نوشته مصطفی صادق رافعی (۲۱۳)؛

علوم قرآنی، اثر محمد هادی معرفت (۳۸۰)) و بیش از وجوه دیگر، اعجاز علمی (مانند اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، نوشته یدالله نیازمند شیرازی؛ الاعجاز الطبی فی القرآن، تألیف سعید صلاح فیومی).

افزون بر موضوع اعجاز، مباحث کلامی دیگر چون وحی شناسی و قرآن شناسی نیز مورد توجه دانشمندان بوده است؛ مانند القرآن من التفسیر الموروث إلى تحلیل الخطاب الدینی، نوشته محمد آرگون؛ الوحی المحمدی، اثر محمد رشیدرضا؛ پژوهش‌هایی درباره قرآن و وحی، تألیف صبحی صالح و وحی و افعال گفتاری، نگارش علیرضا قائمی نیا. مسئله تحریف و پاسخ به شبهه‌ها نیز توجه دانشمندان علوم قرآنی را برانگیخته است که بی ارتباط با نوشته‌های اخباریان و همچنین بازتاب گسترده دیدگاه‌های خاورشناسان در گستره علوم قرآنی نیست.

یکی از موضوع‌هایی که در بستر گسترش مباحث مربوط به علوم و معارف قرآنی در دوره اخیر، توجه تفسیر پژوهان و پژوهشگران اسلامی را برانگیخت، بحث از تفسیر پژوهی و مبانی و سبک‌شناسی است؛ در میان نامدارترین نوشته‌ها در این زمینه، باید از التفسیر والمفسرون، اثر محمد حسین ذهبی و التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشیب، نوشته محمد هادی معرفت یاد کرد. بحث یادشده تا پیش از نگارش کتاب مذاهب التفسیر الإسلامی، نوشته گلدزیهر (Goldziher) (م. ۱۹۲۱م / نیمه‌های سده ۱۴ق) به طور جدی رایج نبود؛ چه اینکه پیش از او - جز آنچه برخی چون جلال‌الدین سیوطی در بحث‌های طبقات المفسرین انجام داده‌اند - کار قابل ملاحظه دیگری صورت نگرفته است (رستمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۰۵)، ولی در دوران معاصر، توجهی ویژه به این مقوله شده است و گذشته از مطالبی که در دیباچه تفاسیر آمده (مانند مقدمه تفسیر تسنیم، تألیف عبدالله جوادی آملی) کتاب‌های مستقلی نیز نوشته شده است (مانند اصول التفسیر وقواعد، تألیف خالد عبدالرحمن العک و مبانی و روش‌های تفسیری، نوشته محمد کاظم شاکر).

«فلسفه تفسیر» از جمله رهیافت‌هایی است که برخی از اندیشمندان معاصر، برای نخستین بار آن را مطرح نمودند (رشاد، ۱۳۸۲، ص ۴۶)، این رهیافت، به مباحثی همچون ماهیت، امکان و روشمندی تفسیر نظر دارد. به باور برخی، این عنوان، مباحثی نوظهورند و

تحول و چرایی پژوهش‌های علوم قرآنی

هنوز تعریف و مرزبندی روشن و پذیرفته‌شده‌ای برای آنها ارائه نشده است (ر.ک: شاکر، ۱۳۸۱، ص ۱۴۰). همچنین مباحث زبان‌شناسی و رشته‌های مرتبط با آنکه در سده بیستم میلادی پیشرفت چشمگیری در جهان غرب داشته (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۲۲)، توجه اندیشمندان اسلامی را نیز برانگیخت؛ نمونه آن، مفهوم النص، نگارش نصر حامد ابوزید و بیولوژی نص و معناشناسی شناختی قرآن، تألیف علیرضا قائمی‌نیاست.

۵. افق پیش روی علوم قرآن

از آنجاکه علوم قرآنی تابع دگرگونی‌های علمی و اجتماعی است؛ به نظر می‌رسد تا چند دهه آینده، بیشترین تمرکز اندیشمندان اسلامی، معطوف به پیشرفتهای علوم مشابه در غرب باشد و در نتیجه توجه اصلی بر مبنایی، اصول، قواعد و روشهای فهم و تفسیر قرآن انجام گیرد که به بازخوانی میراث سابق و اضافه‌شدن دانشهای جدیدی چون زبان قرآن، معناشناسی، نشانه‌شناسی، و هرمنوتیک، و روشهای جدیدی چون تفسیر موضوعی مسئله محور، سبک تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)، و نیز مطالعات میان رشته‌ای منتهی خواهد شد.

۶. تطور علوم قرآنی نزد خاورشناسان

با توجه به محتوای مقایسه‌ای برخی آیات قرآن کریم (مانده: ۴۸/ احقاف: ۱۲) و نیز خطاب‌های آن به اهل کتاب (آل عمران: ۶۴/ مانده: ۱۵)، طبیعی است مسیحیان و یهودیان از روز نخست به قرآن توجه داشته در پی بررسی و پاسخ برآمده‌اند (Scholler, 2006, 8, pp.188-). از آنجاکه پژوهش‌های قرآنی خاورشناسان به مباحث مبنایی و پیرامونی چون حقانیت قرآن و منابع قرآن معطوف بوده و در مباحث محتوایی قرآن نیز بیشتر جنبه جدل، مقایسه و نقد را پی گرفته‌اند، بیشترین آثار ایشان در حوزه علوم قرآنی جای می‌گیرد.

مطالعات قرآنی مسیحیان در آغاز بسیار محدود و انگشت‌شمار بود. از معدود آثار مهم نگارش‌یافته، رساله‌ای جدلی با عنوان نامه‌های ابوالمسیح الکندی به عبدالله الهاشمی، نوشته فردی با نام مستعار عبدالمسیح بن اسحاق کنندی (احتمالاً سده ۹ م / حدود قرن ۳ ق) است

(Bobzin, 2006, 4, p.237). مطالعات قرآنی خاورشناسان در گیرودار کشمکش‌های نظامی صلیبی (حدود قرن ۱۲م / حدود قرن ۶ق) جدیت بیشتری یافته و رویکردی دامنه‌دار و تأثیرگذار به خود گرفته است. یکی از آثار مهم سده‌های میانه، کتابی است به نام علیه شریعت مسلمانان (Contra legem sarracenorum) نوشته ریکولدو دامونته کروسه (Ricoldo da Monte) (Croe (م. حدود ۱۳۲۰م / حدود ۷۸۰ق) که اثری کلاسیک و چکیده‌ای از همه انتقادهای مسیحی به قرآن است (Bobzin, 2006, 4, p.241). اثر دیگر دژ ایمان (Fortalium Fidei) نوشته آلفونسو دو اسپینا (Alfonso de Spina) (م. ۱۴۹۱م) (چاپ قرن ۱۵م / حدود قرن ۹ق) است که مهم‌ترین منبع شناخت قرآن در مجامع کلامی مسیحیت به‌شمار می‌رود (Ibid, p.243). آثار دیگر در این زمینه، نوشته‌های کشیش ایتالیایی، لودویس ماراسی (Ludovico Marracci) (م. ۱۷۰۰م / حدود ۱۱۲۰ق) است که از جمله آنها ردیه‌ای چهارجلدی بر قرآن و سپس مجموعه مبسوط قرآنی است که در بردارنده متن کامل قرآن به همراه زندگی‌نامه حضرت محمد ﷺ و مقدمه‌ای بر قرآن است و در نهایت، ردیه‌ای از بخش‌هایی از قرآن از منظر کلیسای کاتولیک ارائه داده است؛ این اثر، نخستین تعلیقه و شرح لاتین بر قرآن به‌شمار می‌رود (Bobzin, 2006, 4, pp.247-248).

مهم‌ترین اثر جریان خاورشناسی در قرن ۱۹ میلادی (۱۳ قمری)، تاریخ قرآن (Geschichte des Qorans) (م. ۱۸۶۴م / حدود ۱۲۸۰ق)، نوشته تئودور نولدکه آلمانی (Theodor Noldeke) (م. ۱۹۳۰م) است؛ وی به تبع مقدمه‌ای تاریخی - انتقادی بر قرآن (م. ۱۸۶۴م / حدود ۱۲۸۱ق) به تاریخ‌گذاری قرآن پرداخت و ساختاری نوین برای پژوهش درباره قرآن فراهم آورد (Scholler, 2006, 4, pp.188). این کتاب در ادامه، ویرایش شده و با افزودن پژوهش‌های سه دانشمند دیگر: شوالی (Schwally)، برگشتراسر (Bergstrasser) و پروتسل (Pretzl) در آغاز سده بیستم میلادی (میانه سده ۱۳ و ۱۴ق) به متنی مرجع تبدیل گردید (Ibid, pp.188-189). دیدگاه‌های نولدکه درباره تاریخ‌گذاری قرآن با ایجاد موجی در میان خاورشناسان ذهن بسیاری را درگیر خود کرد (Ibid, pp.190-191)؛ به‌گونه‌ای که گلدزیهر، خاورشناس نامدار آلمانی از وی به «پیشوای بزرگ» یاد کرده است (۷). شاید بتوان تاریخ قرآن را نخستین و جامع‌ترین اثر مستقل در زمینه

تحول و چرایی پژوهش‌های علوم قرآنی

تاریخ کتاب آسمانی مسلمانان دانست که نه تنها نظر خاورشناسان، بلکه توجه دانشمندان علوم قرآنی اسلامی را نیز به خود معطوف داشت و در پی آن، ده‌ها تألیف در زمینه تاریخ قرآن نگاشته شد (ر.ک: مهدوی‌راد، ۱۳۸۴، ص ۲۳۲-۲۳۴).

افزون بر تاریخ‌گذاری، دو رویکرد مهم دیگر خاورشناسان در نیمه نخست سده بیستم میلادی (میان‌های سده چهاردهم قمری) عبارت‌اند از: مسائل زبان‌شناسی قرآن و خاستگاه یهودی یا مسیحی داشتن اسلام. نمونه‌های رویکرد زبان‌شناسی، آثاری است چون کتاب پژوهش‌های قرآنی (Koranische Untersuchungen) (۱۹۲۶م / حدود ۱۳۴۶ق) اثر هر ویس (Horovitz)، واژگان دخیل در قرآن مجید (Foreign Vocabulary of the Quran) (۱۹۳۸م / حدود ۱۳۵۸ق)؛ نوشته آرتور جفری (Arthur Jeffery) (م. ۱۹۵۹م) و دیگر آثار مشابه (See: Scholler, 2006, 4, p.194)؛ همچنین در زمینه خاستگاه یهودی یا مسیحی اسلام نیز دو کتاب به نام‌های خاستگاه اسلام در محیط مسیحی اش (The Origin of Islam in its Christian Environment) (۱۹۲۶م / حدود ۱۳۴۶ق)، اثر ریچارد بل (Richard Bell) (م. ۱۹۵۲م) و بنیان یهودی اسلام (The Jewish Foundation of Islam) (۱۹۳۳م / حدود ۱۳۵۳ق) اثر توری (Torrey) نگاشته شده است (See: Scholler, 2006, 4, p.195).

مسئله تاریخ‌گذاری قرآن امروزه از رونق گذشته خود فاصله دارد، اما مباحث زبان‌شناسی، همچنان مورد توجه برخی خاورشناسان مانند توشیهیکو ایزوتسوی (Toshihiko Izutsu) (م. ۱۹۹۳م) ژاپنی است؛ وی برای کشف معنای اصطلاحات قرآن، به معانی ریشه‌ای آنها بسنده نکرده و واژه را با توجه به جایگاه آن در متن، تحلیل می‌کند (Ibid, p.197). افزون بر رویکردهای یادشده، یکی از جدیدترین رویکردها، توجه به انسجام عمومی بیان قرآنی است (Ibid, p.197)؛ بدین معنا که برای فهم کامل قرآن، افزون بر آگاهی از ریشه واژه‌ها و جایگاه آن در متن، باید به کلیه داده‌های پیرامونی مرتبط با متن، از جمله سنت و میراث تفسیری مسلمانان نیز توجه کرد. در پایان می‌توان به دو دانشنامه تخصصی قرآن به نام‌های دائره المعارف قرآن لایدن و دائره المعارف قرآن راتلج اشاره کرد که دربردارنده مهم‌ترین دیدگاه‌های خاورشناسان درباره قرآن بوده و نشان از گسترش این علم در محافل غربی می‌باشد.

نتیجه

از مجموع مطالب ذکر شده در این مقاله می‌توان نتیجه گرفت که علوم قرآنی یک علم مستقل و متمایز از دیگر علوم نیست، بلکه ترکیبی از علوم مختلف می‌باشد که بر اساس موضوعیت قرآن گرد هم جمع شده‌اند. بنابراین، حقیقت مستقلی نداشته و بر اساس تنوع و تطور علوم مختلف مرتبط، این علم نیز متنوع شده و تغییر کرده است. نکته دیگر اینکه تحول و انعطاف فراوان در سیر مباحث علوم قرآنی در طول تاریخ، بدان جهت بوده که در هر عصر و زمانی یک یا چند مسئله خاص، محل توجه بوده جامعه اسلامی بوده و اندیشمندان رشته‌های مختلف علوم اسلامی، به آن مسائل ورود کرده‌اند. در زمان نزول قرآن اصل شناخت قرآن مسئله اصلی بود، در قرون اولیه، اعجاز قرآن محل تامل قرار گرفت، در قرون میانی ادبیات قرآنی محل توجه بود، و به دلیل گسترش علوم اسلامی، علوم قرآنی نیز گسترش یافته و سامان دهی کاملتری پیدا کرد. در قرون اخیر مسئله تحریف ناپذیری و رابطه قرآن و علوم بیشتر مورد توجه قرار گرفت و در عصر حاضر نیز مباحث فهم متن و هرمنوتیک مورد توجه بوده است. از آنجاکه علوم قرآن، تابع علوم دیگر است، همین روند کاملاً در سیر تطور علوم قرآنی طی شده است.

منابع

۱. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن؛ الذریعة إلى تصانیف الشيعة؛ بيروت: دارالأضواء، ۱۴۰۳ق.
۲. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن؛ طبقات اعلام الشيعة (القرن الرابع)؛ تحقیق علی نقی منزوی؛ بيروت: دارالكتاب العربي، ۱۳۹۰ق.
۳. آقایی، سیدعلی؛ «سیر تاریخی اندیشه اعجاز قرآن»، پژوهش‌های قرآنی (فصلنامه)؛ ش ۵۴ و ۵۵، پاییز ۱۳۸۷، ص ۲۶۲-۲۸۹.
۴. ابن جزری، محمد بن محمد؛ تحبیر التیسیر فی القراءات العشر؛ تحقیق احمد محمد مفلح قضاة؛ الاردن: دارالفرقان، ۱۴۲۱ق.
۵. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی؛ فنون الألفان فی عجائب علوم القرآن؛ تحقیق صلاح بن فتحی هلال؛ بيروت: مؤسسه الكتب الثقافیه، ۱۴۲۲ق.
۶. ابن غضائری، احمد بن حسین؛ الرجال؛ تحقیق سید محمد رضا حسینی جلالی؛ قم: انتشارات دارالحديث، ۱۴۲۲ق.
۷. ابن قتیبہ دینوری، عبداللہ بن مسلم؛ تأویل مشکل القرآن؛ تحقیق ابراهیم شمس‌الدین؛ بيروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۷۳م.
۸. ابن ندیم، محمد بن ابی‌یعقوب؛ الفهرست؛ تحقیق رضا تجدد؛ تهران: انتشارات مروی، ۱۳۹۳ق.
۹. ابوشامه مقدسی، عبدالرحمن بن اسماعیل؛ المرشد الوجیز إلى علوم تتعلق بالكتاب العزیز؛ بيروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
۱۰. استرآبادی، محمد امین؛ الفوائد المدنیة؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۲۴ق.
۱۱. اشبقر، محمد علی؛ لمحات من تاریخ القرآن؛ بيروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۴۰۸ق.
۱۲. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ صحیح البخاری؛ بيروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
۱۳. بدوی، عبدالرحمن؛ فرهنگ کامل خاورشناسان؛ ترجمه شکرالله خاکنند؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۱۴. بروکلیمان، کارل؛ تاریخ الأدب العربی؛ ترجمه یعقوب بکر و رمضان عبدالنواب؛ قاهره: دارالمعارف، ۲۰۰۶م.

۱۵. بصری، حسن؛ تفسیر الحسن البصری؛ تحقیق محمد عبدالرحیم؛ قاهره: دارالحدیث.
۱۶. جاحظ، عمرو بن بحر؛ الرسائل الکلامیه؛ تحقیق علی بوملحم؛ بیروت: دار و مکتبه الهلال، ۲۰۰۲م.
۱۷. جفری، آرتور؛ مقدمتان فی علوم القرآن؛ تحقیق عبدالله اسماعیل صاوی؛ قاهره: مکتبه الخانجی، ۱۳۹۲ق.
۱۸. جفری، آرتور؛ واژه‌های دخیل در قرآن مجید؛ ترجمه فریدون بدره‌ای؛ تهران: انتشارات توس، ۱۳۸۶.
۱۹. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله؛ کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون؛ تحقیق سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۹ق.
۲۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ الفوائد الطوسیّه؛ تحقیق سید مهدی لاجوردی و محمد درودی؛ قم: المطبعه العلمیه، ۱۴۰۳ق.
۲۱. حکیم، سید محمدباقر؛ علوم القرآن؛ قم: مجمع الفکر اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۲۲. حلّی (علامه حلّی)، حسن بن یوسف؛ خلاصه الأقوال فی معرفه الرجال؛ تحقیق جواد قیومی؛ قم: مؤسسه نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق.
۲۳. خدابخشیان، حمید؛ «فلسفه تفسیر»، فصلنامه قبسات؛ ش ۳۹ و ۴۰، زمستان ۱۳۸۵، ص ۲۴۹-۲۵۶.
۲۴. خطیب، عبدالکریم؛ الأعجاز فی درّاسات السابقین؛ بیروت: دارالفکر العربی، ۱۹۷۴م.
۲۵. خلف الله، محمد احمد؛ الفن القصصی فی القرآن الکریم؛ تحقیق خلیل عبدالکریم؛ لندن: مؤسسه الانتشار العربی، ۱۹۹۹م.
۲۶. داوودی، محمد بن علی؛ طبقات المفسرین؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۳۶ق.
۲۷. ذهبی، محمد بن احمد؛ سیر اعلام النبلاء؛ تحقیق شعیب الأرناؤوط؛ بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ق.
۲۸. رافعی، مصطفی صادق؛ أعجاز القرآن والبلاغه النبویه؛ بیروت: دارالکتب، ۱۳۹۳ق.
۲۹. رستمی، علی اکبر؛ آسیب شناسی و روش شناسی تفسیر معصومان علیهم السلام؛ رشت: انتشارات کتاب مبین، ۱۳۸۰.
۳۰. رشاد، علی اکبر؛ «نهادهای راهنمای فهم قرآن»، قبسات (فصلنامه)؛ ش ۲۹، زمستان ۱۳۸۲، ص ۴۵-۶۴.
۳۱. رُمّانی، علی بن عیسی، حمد بن محمد خطابی و عبدالقادر بن عبدالرحمن جرجانی؛

تحول و چرایی پژوهش‌های علوم قرآنی

- ثلاث رسائل في إعجاز القرآن؛ تحقيق محمد خلف الله؛ القاهرة: دارالمعارف، ۱۴۱۷ق.
۳۲. زرقانی، محمد عبدالعظیم؛ مناهل العرفان فی علوم القرآن؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۳. زرکشی، محمد بن عبدالله؛ البرهان فی علوم القرآن؛ تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم؛ بیروت: دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۶ق.
۳۴. زملکانی، کمال‌الدین عبدالواحد بن عبدالکریم؛ البرهان الکاشف عن اعجاز القرآن؛ تحقیق خدیجه الحدیثی و احمد مطلوب؛ بغداد: مطبعه العانی، ۱۳۹۴ق.
۳۵. زید بن علی؛ تفسیر غریب القرآن؛ تحقیق سید محمد جواد حسینی؛ بیروت: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۴ق.
۳۶. سزگین، فؤاد؛ تاریخ نگارش‌های عربی؛ ترجمه مهرا ن ارزنده و شیرین شادفر؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
۳۷. سلام، محمد زغلول؛ اثر القرآن فی تطور النقد العربی إلى آخر القرن الرابع الهجری؛ قاهره: دارالمعارف، ۱۹۶۱م.
۳۸. سید رضی، محمد بن حسین؛ تلخیص البیان فی مجازات القرآن؛ تحقیق محمد عبدالغنی حسن؛ بیروت: دارالأضواء، ۱۴۰۶ق.
۳۹. سیوطی، جلال‌الدین؛ الإتقان فی علوم القرآن؛ تحقیق فؤاد احمد زمرلی؛ بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۱ق.
۴۰. سیوطی، جلال‌الدین؛ بغیة الوعاه فی طبقات اللغویین والنحاه؛ تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم؛ بیروت: المکتبة العصریه، ۱۴۲۶ق.
۴۱. شاکر، محمد کاظم؛ «ترمینولوژی مبانی و روش‌های تفسیر قرآن»، مقالات و بررسی‌ها (فصلنامه)؛ ش ۷۲، پاییز ۱۳۸۱، ص ۱۳۹-۱۵۱.
۴۲. شربجی، محمد یوسف؛ السیوطی و جهوده فی علوم القرآن؛ دمشق: دارالمکتبی، ۱۴۲۱ق.
۴۳. شرف، حنفی محمد؛ إعجاز القرآن البیانی بین النظریه والتطبیق؛ جمهوری العربیه المتحده: المجلس الأعلى للشؤون الإسلامیه، ۱۳۹۰ق.
۴۴. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم؛ الملل والنحل؛ تحقیق محمد سید گیلانی؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۲۲ق.
۴۵. شیخون، محمود سید؛ الإعجاز فی نظم القرآن؛ قاهره: مؤسسه العربیه الحدیثه، ۱۹۷۸م.

۴۶. صالح، صبحی؛ مباحث فی علوم القرآن؛ قم: الشريف الرضى، ۱۳۷۲.
۴۷. صدوق، محمد بن علی؛ الإعتقادات فی دین الإمامیه؛ تحقیق عصام عبدالسید؛ بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ق.
۴۸. صغیر، محمد حسینی علی؛ مجاز القرآن (خصائصة الفنیة و بلاغة العربیة)؛ بیروت: دارالمورخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۴۹. طاهری، حبیب الله؛ درس های از علوم قرآنی؛ قم: انتشارات اسوه، ۱۳۷۷.
۵۰. طبری، محمد بن جریر؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۵۱. طوسی، محمد بن حسن؛ الفهرست؛ تحقیق جواد قیومی؛ قم: مؤسسه نشر الفقه، ۱۴۱۷ق.
۵۲. طوسی، محمد بن حسن؛ رجال الطوسی؛ تحقیق جواد قیومی؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۵ق.
۵۳. طوفی، سلیمان بن عبدالقوی؛ الإکسیر فی علم التفسیر؛ تحقیق عبدالقادر حسین؛ قاهره: مكتبة الآدب، ۱۴۳۴ق.
۵۴. طیار، مساعد بن سلیمان؛ التفسیر اللغوی للقرآن الکریم؛ ریاض: دار ابن الجوزی، ۱۴۲۲ق.
۵۵. عتر، نورالدین؛ علوم القرآن الکریم؛ دمشق: مطبعة الصباح، ۱۴۱۶ق.
۵۶. عرفه، عبدالعزیز عبدالمعطی؛ قضیه الإعجاز القرآنی و اثرها فی تدوین البلاغه العربیة؛ بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۵ق.
۵۷. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم؛ طبقات مفسران شیعه؛ قم: نشر نوید اسلام، ۱۳۸۷.
۵۸. عمری، احمد جمال؛ مفهوم الإعجاز القرآنی حتی القرن السادس الهجری؛ قاهره: دارالمعارف، ۱۴۱۴ق.
۵۹. غزالی، محمد بن محمد؛ إحياء علوم الدین؛ بیروت: دارالکتب العربی.
۶۰. غزالی، محمد بن محمد؛ جواهر القرآن و درره؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۹ق.
۶۱. فتونی عاملی، ابوالحسن بن محمد طاهر؛ مرآة الأنوار و مشکوة الأسرار (مقدمه تفسیر البرهان)؛ تحقیق لجنة من العلماء و المحققین؛ بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۴۱۹ق.
۶۲. فخر رازی، محمد بن عمر؛ التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۶۳. فخر رازی، محمد بن عمر؛ نهاية الايجاز فی دراية الإعجاز؛ تحقیق بکری شیخ امین؛

تحول و چرایی پژوهش‌های علوم قرآنی

- بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۵م.
۶۴. فضل‌ی، عبدالهادی؛ القراءات القرآنیة (تاریخ و تعریف)؛ بیروت: دارالقلم، ۱۴۰۵ق.
۶۵. فیض کاشانی، محسن‌بن مرتضی؛ تفسیر الصافی؛ تهران: انتشارات صدر، ۱۴۱۵ق.
۶۶. قاضی عبدالجبار اسدآبادی، عبدالجبار بن احمد؛ المغنی فی أبواب التوحید والعدل؛ تحقیق جورج قنوانی؛ قاهره: الدار المصریة، ۱۹۶۵م.
۶۷. قائمی‌نیا، علیرضا؛ معناشناسی شناختی قرآن؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.
۶۸. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تحقیق علی‌اکبر غفاری؛ تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۳.
۶۹. گلدزیهر، ایگناز؛ مذاهب التفسیر الإسلامی؛ ترجمه عبدالحلیم نجار؛ بیروت: دار اقرار، ۱۴۱۳ق.
۷۰. لاشین، عبدالفتاح؛ بلاغة القرآن فی آثار القاضی عبدالجبار و اثره فی الدراسات البلاغیة؛ مصر: دارالفکر العربی، ۱۴۲۰ق.
۷۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ تحقیق محمدباقر بهبودی؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۷۲. معارف، مجید؛ درآمدی بر تاریخ قرآن؛ تهران: انتشارات نبأ، ۱۳۸۳.
۷۳. معرفت، محمدهادی؛ التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشیب؛ مشهد: الجامعه الرضویة للعلوم الإسلامیة، ۱۴۱۸ق.
۷۴. معرفت، محمدهادی؛ التمهید فی علوم القرآن؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۷۵. معرفت، محمدهادی؛ شبهات وردود حول القرآن الکریم؛ قم: مؤسسه التمهید، ۱۴۲۴ق.
۷۶. معرفت، محمدهادی؛ علوم قرآنی؛ قم: مؤسسه التمهید، ۱۳۸۱.
۷۷. مقاتل بن سلیمان؛ الأشباه والنظائر؛ تحقیق عبدالله محمود شحاته؛ قاهره: دار غریب، ۲۰۰۱م.
۷۸. منتظری، حسینعلی؛ نه‌ایة الأصول؛ تقریر اب‌حاث سیدحسین بروجردی؛ قم: مطبعة الحکمه، ۱۳۷۵ق.
۷۹. موسوی خویی، سیدابوالقاسم؛ معجم رجال‌الحديث وتفصیل طبقات‌الرواه؛ [بی‌جا]: [بی‌نا]، ۱۴۱۳ق.

۸۰. موسوی دارابی، سیدعلی؛ نصوص فی علوم القرآن؛ مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۲۲ق.
۸۱. موسوی، سیدهاشم؛ القرآن فی مدرسه أهل البيتؑ؛ [بی جا]: مرکز الغدیر للدراسات الإسلامیه، ۱۴۲۰ق.
۸۲. مهدوی راد، محمدعلی؛ سیر نگارش های علوم قرآنی؛ تهران: نشر هستی نما، ۱۳۸۴.
۸۳. نجاشی، احمدبن علی؛ رجال النجاشی؛ تحقیق سیدموسی شیرازی زنجانی؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۶ق.
۸۴. هروی، قاسم بن سلام؛ فضائل القرآن؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۶ق.
۸۵. هلال، ماهر مهدی؛ فخرالدین الرازی بلاغیا؛ بغداد: دارالحریه، ۱۳۷۹ق.
۸۶. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله؛ معجم الأدباء؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۰ق.
87. Bobzin, Hartmut, "Pre – 1800 Preoccupations of Quranic Studies", Encyclopedia of the Qur'an, Ed. MC Auliffe, Jane Dammen, 5 vols., Leiden: Brill, 2006;
88. Gilliot, Claude, "Traditional Disciplines of Quranic Studies", Encyclopedia of the Qur'an, Ed. MC Auliffe, Jane Dammen, 5 vols., Leiden: Brill, 2006;
89. Scholler, Marco, "Post – enlightenment Academic Study of the Quran", Encyclopedia of the Qur'an, Ed. MC Auliffe, Jane Dammen, 5 vols., Leiden: Brill, 2006.